

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

Compensation for Damages Arising from Extramarital
Affairs in Marital Life: A Comparative Study in Iranian Law
and the Common Law System

Authors: Hojjat Mobayen | Seyyed Mohsen Fali

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248224.3773>

جبران خسارت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی؛
مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا

نویسندگان: حجت‌مبین | سیدمحسن فالی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248224.3773>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

Compensation for Damages Arising from Extramarital Affairs in Marital Life: A Comparative Study in Iranian Law and the Common Law System

Hojjat Mobayen • Assistant Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law
and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

(Corresponding Author)

mobayen@shirazu.ac.ir

Seyyed Mohsen Fali • PhD Student in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences,
Shiraz University, Shiraz, Iran.

faliv221@gmail.com

Abstract

Context & Objective: The formation of a marital relationship entails not only legal obligations—such as the duty of fidelity—but also deep emotional and psychological connections between spouses. An extramarital affair by one party, therefore, represents not only a violation of this legal duty but also a source of emotional distress for the other spouse, potentially giving rise to civil liability. This article aims to explore the possibility and legal basis for compensating such non-material harm, focusing specifically on a comparative analysis of Iranian law and the common law system. The central research question is whether and how legal systems recognize and address claims for damages arising from extramarital affairs within the framework of marital life.

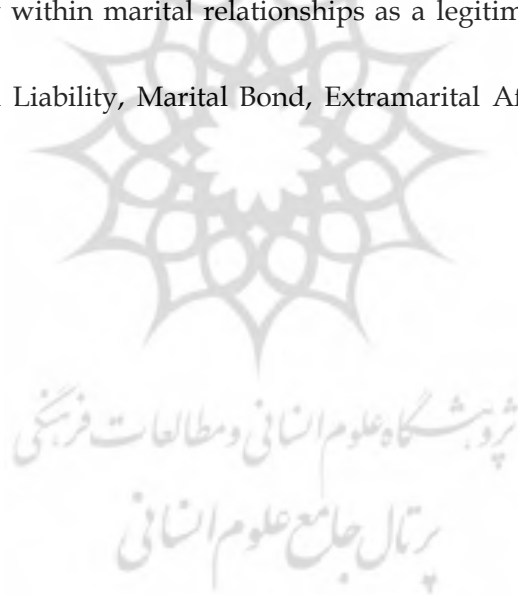
Method & Approach: This study employs a doctrinal and comparative legal methodology. It systematically analyzes primary and secondary legal sources in both Iranian and common law contexts to identify the principles, mechanisms, and limitations related to civil liability for emotional harm caused by infidelity. By comparing these two legal traditions, the article seeks to uncover convergences and divergences in the treatment of such claims and the rationale behind each system's approach.



Findings: The research reveals that civil liability for damages caused by extramarital affairs depends on the existence of a valid marital bond and the occurrence of the extramarital act. A criminal conviction of the offending spouse is not necessary to establish liability; however, a criminal acquittal based on insufficient evidence of the affair negates the possibility of civil compensation. The damages typically pertain to non-pecuniary (moral) harm, and their assessment involves several factors: the emotional impact on the injured spouse, the level of emotional attachment they had toward the unfaithful partner, their own performance of marital duties, societal and cultural norms, and their personal and social standing.

Conclusion: The comparative analysis indicates that while both Iranian law and the common law system recognize the potential for civil liability in the context of extramarital affairs, they approach it from different doctrinal and procedural angles. Nevertheless, both systems emphasize the seriousness of the emotional harm inflicted on the injured spouse and allow for compensation based on moral and contextual criteria. The study underscores the evolving recognition of emotional injury within marital relationships as a legitimate ground for civil remedy.

Keywords: Civil Liability, Marital Bond, Extramarital Affair, Non-pecuniary Damage.



جبران خسارت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا

حجت مبین • استادیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

mobayen@shirazu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

سیدمحسن فالی • دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

faliv221@gmail.com

چکیده

ایجاد علقه زوجیت، صرف‌نظر از آثار حقوقی از جمله تکلیف به وفاداری، یک وابستگی و رابطه عاطفی بین زوجین ایجاد می‌کند؛ لذا ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از ایشان، ضمن اینکه نقض تکلیف به وفاداری محسوب می‌شود، سبب ورود صدمه به احساسات و عواطف طرف دیگر نیز خواهد بود و می‌تواند موجب مسئولیت مدنی باشد. در این مقاله، به روش تحلیلی توصیفی و مطالعه تطبیقی دکتترین و رویه قضایی حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا به صورت مزجی، به بررسی این مسئولیت و جبران خسارت ناشی از آن خواهیم پرداخت. برای تحقق این مسئولیت، وجود رابطه زوجیت و تحقق رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین شرط است. هر چند محکومیت کیفری خواننده دعوی شرط تحقق مسئولیت نیست، ولی وجود حکم برائت کیفری به دلیل عدم اثبات ارتکاب رابطه نامشروع، رافع مسئولیت مدنی خواهد بود. خسارت وارده اصولاً یک خسارت معنوی است که به کمک معیارهایی پیش‌رو قابل ارزیابی است: درجه تأثیر ضرر در عواطف زیان‌دیده، میزان علاقه زیان‌دیده به همسری که مرتکب رابطه نامشروع شده، میزان تقصیر زیان‌دیده در ایفای وظایف زناشویی، عرف فرهنگی و اجتماعی محل و در نهایت اوصاف و موقعیت شغلی و اجتماعی زیان‌دیده.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، علقه زوجیت، رابطه نامشروع، خسارت معنوی.

مقدمه

به‌طور معمول زوجین پس از ازدواج، مصالح خانوادگی را بر منافع شخصی مقدم می‌دانند و به‌نوعی برای دوام و تقویت رابطه زناشویی خود، سرمایه‌گذاری‌های مالی و معنوی می‌کنند. برخلاف روابط تجاری که عمدتاً کوتاه‌مدت و صرفاً بر روابط مالی استوار است و نفع شخصی، سرنوشت رابطه را تعیین می‌کند، زوجین انتظار دارند رابطه بین ایشان به‌صورت مادام‌العمر ادامه یابد و قابل پیش‌بینی است که فرصت‌های مالی یا معنوی بسیاری مانند مهاجرت به شهر دیگر، بهره‌مندی از لذات معنوی زندگی مشترک، نظیر عشق ورزیدن یا خوگرفتن به همسر، دیگر موقعیت‌های ازدواج، موقعیت تحصیلی یا کاری به دلیل تشکیل زندگی مشترک یا نگهداری از اولاد و... را قربانی کنند. بر همین اساس، اگر یکی از زوجین به دیگری خیانت کند و مرتکب رابطه نامشروع شود، علاوه‌بر صدمه به اعتماد، آبرو، احساسات و عواطف شکل‌گرفته در این رابطه، موجب از بین رفتن فرصت‌های طرف دیگر نیز خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که اگر قربانی خیانت، امکان از هم گسیختن عاطفی پیوند مشترک را می‌داند، برای استحکام آن سرمایه‌گذاری نمی‌کند (Rasmusen, 2001, p. 2). بر همین مبنا، موضوع جبران خسارت ناشی از این رابطه نامشروع، به‌عنوان موضوع اساسی که در حقوق ایران کمتر به آن پرداخته شده است، خودنمایی می‌کند.

برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از رابطه نامشروع یکی از زوجین، باید ارکان مسئولیت مدنی شامل ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت احراز شود منتها دادرس ممکن است در صدور رأی به جبران خسارت زیان‌دیده تردید کند؛ زیرا نحوه تقویم آسیب به احساسات و عواطف (شکستن قلب دیگری) و آبرو و اعتبار خانوادگی به‌عنوان مصادیق ضرر معنوی ناشی از رابطه نامشروع، معیار مشخص و تثبیت‌شده‌ای ندارد. در نتیجه، در مواردی ممکن است دادگاه اساساً صدمه به احساسات را قابل جبران با پول نداند یا به خسارت اندکی حکم صادر کند و در مواردی نیز ممکن است حکم به پرداخت خسارت بسیار سنگینی صادر شود. همین مسئله در خصوص از دست رفتن فرصت‌ها یا صدمه به آبرو و اعتبار خانوادگی نیز مطرح می‌شود. هنگامی که یکی از زوجین از تکلیف وفاداری تخطی و اقدام به برقراری رابطه نامشروع با ثالث کند، خساراتی به طرف مقابل وارد می‌شود و حتی ممکن است نکاح در معرض انحلال قرار گیرد. لذا مسئله شرایط ایجاد مسئولیت و نحوه جبران خسارت ناشی از این رابطه نامشروع، موضوعی حائز اهمیت است. این موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا تحت عنوان زیان‌های وارده در نتیجه همخوابگی نامشروع

مطرح و آرایه از محاکم انگلیس و آمریکا در این خصوص صادر شده است. در حقوق کامن‌لا، خسارت معنوی ناشی از همخوابگی نامشروع در قالب تأسیسات حقوقی شامل مرگ عاطفی^۱ در مورد زوجین، نقض پیمان زوجیت^۲ (در وعده نکاح)، تدلیس^۳ (آسیب وارده در نتیجه رابطه جنسی قبل از ازدواج) و وصف کیفری موضوع (زنا یا محصنه یا روابط منافی عفت مادون زنا) شناسایی شده است (McMillain, 2012, pp. 1989-2020). این نظام حقوقی در زمینه نحوه جبران این خسارات، دستاوردهایی دارد که می‌تواند برای حقوق ایران نیز قابل استفاده باشد. از این رو در این مقاله موضوع به صورت تطبیقی در حقوق ایران و کامن‌لا بررسی شده است.

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن مطالعه تطبیقی دکترین و رویه قضایی حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا، به این سؤالات پاسخ داده شود که ماهیت مسئولیت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع توسط یکی از زوجین، قراردادی است یا قهری؟ در صورتی که یکی از زوجین مرتکب رابطه نامشروع شود، با چه شرایطی مسئولیت جبران خسارت بر عهده وی قرار می‌گیرد؟ چه خساراتی به طرف مقابل وارد و این خسارات چگونه و بر اساس چه معیارهایی جبران می‌شود؟ پیشینه پژوهش: به‌طور کلی، مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص این موضوع، در سه دسته قابل تقسیم‌بندی است.

دسته نخست، مقالاتی است که موضوع را از جنبه کیفری بررسی کرده‌اند. تأکید بر سیاست بزه‌پوشی و استفاده از کیفر به عنوان آخرین راه حل در جرائم جنسی (صادقی و اکبری، ۱۴۰۱) و ارائه معیارهای جرم‌انگاری در جرائم منافی عفت (نصیری و همکاران، ۱۴۰۰) از مهم‌ترین دستاوردهای این دسته مقالات است.

دسته دوم مقالاتی است که موضوع را از جنبه تعهد به وفاداری زوجین بررسی کرده‌اند. مقاله «ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روان‌شناسی و جایگاه آن در خانواده» (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳) و «مسئولیت ناشی از عدم وفاداری زوجین» (دارابی، ۱۳۹۹) و «آثار نقض وفاداری زوجین در خانواده و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری آن»

1. Alienation of Affection
2. Breach Of Marriage Promise
3. Seduction

(خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) از مهم‌ترین مقالات این حوزه هستند. این مقالات صرفاً به بررسی تعهد به وفاداری و لزوم جبران خسارت وارده ناشی از نقض این تعهد پرداخته و در خصوص نحوه جبران و معیارهای ارزیابی خسارت بحث نکرده‌اند.

دسته سوم نیز پژوهش‌هایی است که آثار روابط نامشروع را بررسی کرده‌اند مانند مقاله «شیوه‌های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین» (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵) که صرفاً به شیوه‌های جبران غیرمالی پرداخته و پایان‌نامه/حکام و آثار روابط جنسی نامشروع در حقوق مدنی (کلهر، ۱۳۸۸) که به آثار حقوقی رابطه نامشروع بر نسب و ایجاد حرمت پرداخته و در باب مسئولیت مدنی، صرفاً خسارات وارده به طرف رابطه را مورد مطالعه قرار داده است و هیچ‌یک نحوه جبران خسارت ناشی از رابطه نامشروع را بررسی نکرده‌اند.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مقاله، روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از مطالعات تطبیقی (مطالعه در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا) است. بنابراین، تلاش شده است با استفاده از منابع دست‌اول و نیز استفاده از آرای قضایی در حقوق ایران و کامن‌لا، ارکان و شرایط مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی و همچنین، نحوه جبران خسارات وارده مورد مطالعه قرار گیرد و معیارهای مشخصی در خصوص هریک ارائه شود. شیوه مطالعه تطبیقی در این مقاله به‌صورت مزجی و مباحث ذیل هریک از عناوین، از منظر حقوق ایران و کامن‌لا مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱. مبانی نظری

از حیث مبانی نظری، ماهیت مسئولیت و امکان مطالبه انواع خسارات، موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۱.۱. ماهیت مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

ماهیت مسئولیت ممکن است قراردادی یا خارج از قرارداد باشد. مسئولیت قراردادی زمانی مصداق پیدا می‌کند که ضرر وارده ناشی از نقض قرارداد و منبع مستقیم جبران خسارت، عدم اجرای تعهد قراردادی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۵، ص. ۱۳۲). در حقوق کامن‌لا تکلیف وفاداری، زوجین را ملزم می‌کند که بالاترین اولویت را به زندگی مشترک دهند. بنابراین، هریک از زوجین انتظار بقای دائم این زندگی مشترک را دارد و از این رهگذر، سرمایه‌گذاری‌های مالی و معنوی

انجام می‌دهد. بر همین مبنا، تخطی از این پیمان می‌تواند موجب ایجاد مسئولیت شود (Scott, 1910, p. 2000).

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که در حقوق کامن‌لا مبنای مسئولیت ناشی از همخوابگی نامشروع در روابط زوجین، نقض تکلیف وفاداری و ماهیت آن، مسئولیتی قراردادی است. رویکرد سنتی حقوق انگلستان نیز به همین دیدگاه نزدیک بود و صرفاً در صورت وجود رابطه قراردادی نکاح، دعوی مطالبه خسارت ناشی از همخوابگی نامشروع را می‌پذیرفت (Wright, 1924, pp. 364-370)، لیکن به مرور این مسئولیت به موارد نامزدی نیز توسعه یافت و همخوابگی نامشروع در رابطه نامزدی نیز به عنوان تقصیر عرفی، منشأ مسئولیت شناخته شد. علاوه بر این، چنین تحلیل شد که تکلیف وفاداری به موجب قانون به رابطه زوجیت بار می‌شود و تخلف از آن، تخطی از حکم قانون است. لذا امروزه می‌توان این مسئولیت را مسئولیتی قهری دانست.

در حقوق ایران نیز از آثار نکاح صحیح، برقراری حقوق و تکالیف قانونی زوجین است که برخی از آن‌ها مانند تکلیف به وفاداری، زوجین را متقابلاً ملزم به رعایت این تکلیف و ذی‌حق در مطالبه آثار آن می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۴). در قانون مدنی به صراحت از تکلیف وفاداری یاد نشده است، لیکن وجود چنین تعهدی از روح قانون و قواعد فقهی و اخلاقی حاکم بر نکاح استنباط می‌شود. دامنه نقض این تعهد در رویکرد موسع، از فقدان پارسایی ذهنی مرد در روابط زناشویی، برقراری روابط نامتعارف و غیرضروری، داشتن رابطه نامشروع مادون زنا و درنهایت، زنا را دربرمی‌گیرد (خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۶).

از سویی می‌توان گفت تخلف از پیمان زناشویی، نقض تعهد وفاداری است که نیروی الزام‌آور خود را از تراضی طرفین می‌گیرد و عهدشکن بنا بر قواعد مسئولیت قراردادی، مسئولیت دارد. در مقابل، برخی نویسندگان اعتقاد دارند که تمام موارد مسئولیت مدنی بر مبنای قواعد مذهبی و اخلاقی بنا شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۵، ص. ۱۴). نکاح قرارداد اخلاقی و خاصی است که قواعد عمومی قراردادها به‌طور کلی در آن سرایت ندارد و بیشتر احکام آن را قانون‌گذار مشخص می‌کند. تکلیف به وفاداری، حسن معاشرت و تشییع مبنای خانواده که در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی مورد شناسایی قرار گرفته است، ریشه در اراده قانون‌گذار دارد نه تراضی طرفین. پس جبران خسارت ناشی از نقض تکالیف قانونی زوجین نیز به عنوان یک واقعه حقوقی، باید از طریق

حکم قانون‌گذار و قواعد مسئولیت مدنی خارج از قرارداد (ضمان قهری) انجام گیرد. استدلالاتی برای تأیید هریک از دو دیدگاه فوق وجود دارد، لیکن به نظر می‌رسد دیدگاه مسئولیت قهری با ماهیت مسئولیت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در روابط زناشویی انطباق بیشتری دارد؛ زیرا اولاً، قواعد حاکم بر روابط زوجین و تکالیف ناشی از آن، از اراده قانون‌گذار نشئت می‌گیرد و تنزل اعتبار این قواعد به اصل حاکمیت اراده و توافق طرفین، با ماهیت این تعهدات سازگار نیست. ثانیاً، نکاح عقد محسوب می‌شود، لیکن همه فقها و حقوق‌دانان، احکام نکاح را از سایر قراردادها (معاملات) متمایز کرده‌اند. لذا عمده آثار و تکالیف ناشی از نکاح تابع اراده شارع است و صرفاً ورود به رابطه و برخی آثار فرعی را می‌توان تابع اراده طرفین دانست. ثالثاً، اگر ماهیت این مسئولیت را نقض تعهد قراردادی بدانیم، امکان توافق برخلاف آن یا درج شرط عدم مسئولیت در قرارداد نکاح ممکن خواهد بود درحالی‌که پیوند این مسئولیت با نظم عمومی و اخلاق حسنه به‌اندازه‌ای است که پذیرش چنین شروطی را غیرممکن می‌کند. رابعاً، در موارد تحقق رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، علاوه بر او، شخص ثالثی نیز وجود دارد که یقیناً مسئولیت وی را نمی‌توان مسئولیت قراردادی دانست. بنابراین، اگر مسئولیت زوج یا زوجه‌ای که مرتکب رابطه نامشروع شده است نیز در قالب مسئولیت خارج از قرارداد تحلیل شود، نظام واحدی بر مسئولیت این اشخاص حاکم خواهد بود و رسیدگی به دعاوی مربوطه تسهیل می‌شود.

۲.۱. امکان‌سنجی مطالبه انواع خسارات ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

به‌طورکلی، زیان وارده به اشخاص ممکن است مادی یا معنوی باشد. در خصوص ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، این سؤال مطرح می‌شود که خسارت وارده به زیان‌دیده صرفاً خسارت معنوی است یا امکان مطالبه زیان مادی نیز وجود دارد؟ در ادامه، امکان مطالبه خسارات مادی و معنوی ناشی از رابطه نامشروع بررسی می‌شود.

۱.۲.۱. مطالبه ضرر مادی

در قوانین نخستین انگلستان، زن به‌مثابه مالی مادی در نظر گرفته می‌شد و زمانی که شخصی از طبقه پایین با همسر شخصی از نجیب‌زادگان زنا می‌کرد، طریق جبرانی که به زانی تحمیل می‌شد، این بود که همسری دیگر برای شوهر فراهم کند. مبنای مسئولیت مدنی در این نظریه، اعاده حقوق مالکانه شوهر بود؛ زیرا زنا به اموال شوهر آسیب رسانده بود (Carnelley, 2013, p. 202). پس از

نسخ عرف ارباب-رعیتی، خسارات مالی ناشی از تقصیر زوجین نیز دستخوش تغییر شد و نظریه حقوقی از دست دادن کنسرسيوم^۱ یا مشارکت همسر مطرح شد. در فرایند اول قانون‌گذاری که مدیریت خانواده برای زوج بود، حق بهره‌مند شدن از خدمات خانگی و برقراری رابطه زوجیت برای وی، ایجاد کنسرسيوم می‌کرد. مقارن استقلال مالی و معیشتی زنان، مشارکت مالی و عاطفی زوجین به برابری رسید و هریک از آنان حق انتفاع از مشارکت عاطفی، حمایت مالی و معاشقه جنسی با دیگری را داشت که ایجاد کنسرسيوم می‌کرد. لذا از بین رفتن حق مزبور در مقررات قدیم، فقط زوج را مستحق مطالبه خسارت از بین رفتن خدمات عاطفی و کارهای زن در منزل می‌کرد و اصلاحات بعدی، هریک از طرفین را ذی‌حق در مطالبه چنین ضرری می‌کرد. در واقع، محرومیت از حق مشارکت همسر، واجد وصف مالی است. به همین علت برخی محاکم ادعای زیان معنوی مرتبط با این دعاوی را رد می‌کردند (Baio, 1982, pp. 1348-1356). جنبه دیگری از ضرر مادی که در برخی آرا مورد توجه قرار گرفته، هزینه‌های زندگی زوجه‌ای است که مکرراً مرتکب رابطه نامشروع شده است. در قضیه فی^۲، قاضی ارتکاب مکرر روابط نامشروع از سوی زوجه را مورد توجه قرار داد و بیان داشت که این فرض مانند «نگه داشتن یک فاحشه به هزینه شوهر و مجبور کردن او به پرداخت هزینه کسی است که هیچ‌گونه لذتی از آن نمی‌برد» (Howlin, 2016, p.18).

در ایران وجود کنسرسيوم زناشویی قابل تأمل است. خسارات مالی که در نتیجه مفارقت عاطفی ناشی از رابطه نامشروع به شوهر وارد می‌شود شامل از دست دادن خدمات خانگی زوجه و برقراری رابطه جنسی است. خدمات زوجه در منزل ارزش اقتصادی دارد، لیکن زوجه تکلیف قانونی در انجام آن ندارد و در صورتی که آن وظایف را به درخواست زوج انجام دهد، می‌تواند مابه‌ازای آن را مطالبه کند. حقوق مالی زوجه مانند نفقه نیز تا زمان بقای نکاح و اجتماع شرایط قانونی به زوجه تعلق می‌گیرد. در نتیجه، مسئولیتی جهت جبران خسارت مادی در فرض محرومیت زوج از خدمات خانگی، در حقوق ایران قابل تحقق نیست. تمکین خاص از وظایف زوجه است منتها ارزش‌گذاری مالی نسبت به آن برخلاف جایگاه اخلاقی عقد نکاح است.

1. Loss of Consortium

2. Fay v. Barber (1797).

بنابراین، امکان ورود ضرر مالی تنها در فرضی ممکن است که متضرر فرصت مالی را به علت مصالح خانوادگی از دست بدهد؛ به گونه‌ای که اگر می‌دانست عامل زیان، مرتکب رابطه نامشروع می‌شود، وارد این رابطه زناشویی نمی‌شد. برای مثال، ممکن است همسر به علت پایبندی به شریک زندگی خود، به طور کلی فرصت اشتغال یا فرصت شغلی پرمفعت را در کشوری خارجی رها کند و در میانه زندگی مشترک با رابطه نامشروع شریک زندگی خود روبه‌رو شود که در این خصوص موضوع «فرصت ازدست‌رفته»^۱ مطرح می‌شود. هدف این نظریه، جبران ضررهای ناشی از تفویت این دست از منافع ارزشمند است. فرصت ازدست‌رفته می‌تواند در مورد محرومیت از کسب نفعی در آینده یا اجتناب از ضرری در آینده صدق کند که شامل زیان مادی و معنوی می‌شود منتها به دشواری می‌توان در موضوع بحث به این نظریه استناد کرد. اول اینکه، برخی معتقدند مطالبه خسارت فرصت ازدست‌رفته محدود به سه گونه دعاوی می‌شود. گروه اول، دعاوی مربوط به مسئولیت حرفه‌ای وکلا که وکیل در احقاق حقوق قانونی موکل خود تقصیر یا قصور کرده است. گروه دوم، دعاوی مرتبط با خطای پزشکی که به واسطه آن، فرصت مداوای مناسب از بیمار سلب شده است. گروه سوم، دعاوی مربوط به سلب فرصت حضور در محیط‌های سیاسی، ورزشی، تجاری، مسابقات بخت‌آزمایی و... است که زیان‌دیده به جهت اینکه فرصت حضور و برنده شدن احتمالی در آن رقابت را از دست داده است، می‌تواند به عامل زیان مراجعه کند (امینی و ناطق نوری، ۱۳۹۰، ص. ۲۲). لذا در روابط زناشویی، مطالبه فرصت ازدست‌رفته ممکن نیست. دوم اینکه، عدم النفعی که در حقوق ایران مورد شناسایی قرار گرفته است، با نظریه فرصت ازدست‌رفته تفاوت دارد؛ زیرا در نظریه فرصت ازدست‌رفته، احتمال حصول نتیجه مطلوب زیان‌دیده ضعیف است و مجوز جبران خسارت نیست (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۸) در حالی که عدم النفع زمانی مستلزم جبران خسارت است که صدق عرفی اتلاف کند؛ یعنی ضرر مسلم باشد.

بنابراین، ممکن است در نتیجه ازدواج، وضعیت مالی طرفین تغییر کند یا اینکه یکی از معیارهای طرفین، بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی خود باشد، لیکن هدف مستقیم و اصلی عقد نکاح به دست آوردن مال نیست. به نظر می‌رسد آنچه در نتیجه ارتکاب رابطه نامشروع توسط

یکی از زوجین لطمه می‌بیند، عواطف و حیثیت فرد است نه مال و دارایی وی. بنابراین، شناسایی ضرر مالی به دلیل مخالفت با فلسفه و ماهیت عقد نکاح، در حقوق ایران دشوار است.

۲.۲.۱. مطالبه ضرر معنوی

ضرر معنوی در اثر لطمه به حقوق غیرمالی اشخاص به بار می‌آید و بر دو قسم لطمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی است (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۷۸). آسیب‌های معنوی ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی مانند صدمه‌های بدنی که موجب درد جسمی می‌شود، می‌تواند باعث درد و رنج روحی یا حتی موجب بیماری‌هایی مانند پرخاشگری، استرس، بی‌خوابی و... شود. همچنین، می‌تواند موجب سرافکندگی شخص در خانواده یا اجتماع شود (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۳۹-۴۰). در حقوق فرانسه، ضرر معنوی ممکن است ناشی از تجاوز به حق خانوادگی باشد. برخی آرای صادره از دادگاه‌های فرانسه به شوهر حق داده است که بر همسر زناکار یا شریک او یا تنها بر شریک مقصر، دعوی مسئولیت مدنی اقامه کند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹، صص. ۱۰۶-۱۳۱).

مستند به اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، در لزوم شناسایی و جبران خسارت معنوی در حقوق ایران تردیدی وجود ندارد منتها برخی حقوق‌دانان مخالف تقویم زیان‌های معنوی به مال مادی بوده‌اند که قانون جدید آیین دادرسی کیفری، طریقه مالی جبران خسارت معنوی را تجویز می‌کند^۱. به‌علاوه، پرداخت مال، وضع زیان‌دیده را بهتر می‌کند و ترس از محکومیت مالی، عامل بازدارنده‌تری نسبت به طریقه‌های غیرمالی جبران خسارت معنوی محسوب می‌شود. لذا به نظر می‌رسد شیوه جبران به معادل مالی ضررهای معنوی و جاهت فقهی و قانونی دارد؛ زیرا قانون‌گذار برای جبران برخی زیان‌های معنوی مانند سلب امکان لذت از زندگی و زوال برخی منافع (از بین رفتن لذت جنسی، بی‌خوابی، بی‌حسی و...) شیوه جبرانی مالی مشتمل بر دیه یا ارش تعیین کرده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، صص. ۸۵-۸۷).

همین دیدگاه در برخی آرای محاکم نیز پذیرفته شده است. شعبه ۵ دادگاه عمومی-حقوقی

۱. تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴.

داراب به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۳۹۰۰۶۳۵۷۱۳۶ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲۸ در خصوص مطالبه خسارت معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع که از سوی زوج علیه زوجه مطرح شده است، چنین استدلال می‌کند که «... اگرچه ضرر و زیان معنوی قابل ارزش‌گذاری مادی نیست، لیکن این امر بدان معنی نیست که نباید به جبران آن توجه شود؛ چه آنکه جبران نشدن این خسارات وارده به روح و روان افراد جامعه می‌تواند موجب تجری کسانی گردد که در اندیشه تعدی به حقوق سایرین هستند و...». این موضوع به صراحت در اصول ۲۲ و ۱۷۱ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته، لیکن باید اشاره نمود که اگرچه نفس چگونگی جبران خسارت ذاتاً قابل کارشناسی نیست، لیکن به صراحت مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه باید رأساً با توجه به اوضاع و احوال قضیه، حکم بر جبران خسارت صادر نماید؛ چراکه از نادیده انگاشتن آن ارجح بوده و حداقل موجب تشفی خاطر زیان‌دیده خواهد بود...». با همین استدلال، این شعبه حکم به جبران خسارت معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع توسط زوجه به صورت مالی را مورد پذیرش قرار داده است.

۲. ارکان تحقق مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

برای ایجاد مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی، وجود ارکان زیر ضروری است.

۲.۱. وجود رابطه زوجیت

در خصوص تحقق مسئولیت مدنی در فرض ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین در نکاح دائم تردیدی وجود ندارد، لیکن آیا شخص می‌تواند به استناد نامزدی، همزیستی مدنی^۱ یا نکاح موقت، علیه دیگری دعوی مطالبه خسارت به دلیل رابطه نامشروع را مطرح کند؟ در حقوق آمریکا، وجود ازدواج مشروع زیان‌دیده و خوانده شرط تحقق مسئولیت است (Weifei, 2016, p. 39)؛ البته به طور دیرینه در کامن‌لا، زیان معنوی ناشی از همخوابگی نامشروع شامل موارد دیگری نیز می‌شود. اولین مورد، اغوا و تدلیس در برقراری رابطه است که زنان می‌توانستند بابت مواردی مانند تجاوز، رابطه جنسی اجباری و رها شدن بعد از بارداری، دعوی جبران خسارت مطرح کنند.

1. Cohabitation

(Vandervelde, 1996, p. 812). مورد دوم، هم خوابگی نامشروع در دوران نامزدی است.

در گذشته، در حقوق کامن‌لا و بر اساس قوانین کلیسا، بر هم زدن نامزدی مسئولیتی ایجاد نمی‌کرد. لذا برخی اعتقاد داشتند که برخلاف ماهیت اعمال تجاری که تنها هدف طرفین کسب سود است و به همین جهت نقض مذاکرات پیش‌قراردادی می‌تواند ایجاد مسئولیت کند، در عقد نکاح هدف طرفین خوشبختی متقابل است. لذا طرفین در این دوران آزمایشی، آزادی کامل دارند تا یکدیگر را مورد سنجش قرار دهند و احراز عدم تفاهم طرفین، تنها در دوران نامزدی ممکن است. بنابراین، عدول از وعده نکاح سبب ایجاد مسئولیت نمی‌شود (Wright, 1924, pp. 364-370)، اما اگر این امتناع بدون رعایت مراتب حسن نیت و با تقصیر صورت پذیرد، باید از متضرر حمایت کرد. حسن نیت اقتضا می‌کند به محض اینکه شخص، نامزد خود را مناسب ندید، به طور معقولی به ایشان اعلام کند. پس هم خوابگی نامشروع و بدون رعایت درست‌کاری، در دوران نامزدی تقصیر عرفی و اخلاقی محسوب می‌شود و با اجتماع سایر شرایط می‌تواند موجب مسئولیت خوانده شود. در اینجا منظور از تقصیر، نقض اتکای معقول خواهان به ازدواجی است که برای آن مقدمه‌چینی کرده است. مثلاً شغل خود را تغییر داده یا از فرصت عاطفی دیگری صرف‌نظر کرده است و دیگری بدون سبب معقول و مشروع و حسب تمایلات غیرموجه، با ثالثی رابطه نامشروع برقرار می‌کند. در این حالت به نظر می‌رسد که خسارت وارد باید جبران شود؛ زیرا اگر این رابطه نامشروع نبود، زیان‌دیده دچار عارضه روحی نمی‌شد و اگر از این رابطه نامشروع یا حتی امکان آن اطلاع داشت، وارد دوران نامزدی نمی‌شد. برای مثال، دیوان عالی هند در رأی خود^۱ مقرر داشت، زیان معنوی تنها در مواردی می‌تواند باعث ایجاد مسئولیت شود که ناشی از تقصیر خوانده به معنی تجاوز از قانون باشد و خواهان را به دلیل لطمه به تمامیت معنوی ناشی از نقض وعده ازدواج، مستحق ۵۰۰۰۰۰ روپیه دانست.

همین دیدگاه در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است؛ ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، صرف امتناع از وصلت را موجب ایجاد مسئولیت نمی‌داند. برخی معتقدند اگر شخصی دیگری را مغرور و به‌نوعی در دوران نامزدی تدلیس کند یا بر هم خوردن نامزدی در نتیجه تقصیر وی باشد، از باب تسبیب،

1. Nhlapo v Zimu (2016/8478) [2017] ZAGPJHC 236 (1 September 2017).

ضامن ضرر وارده است (سعادت و علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۶، ص. ۷۲). در اینجا منظور از غرور صرف فریب خوردن نیست، بلکه مقصود فریب دادن همراه با سوءنیت و امری ذهنی است که مربوط به نیت فریب‌دهنده است. برای مثال، می‌توان بین شخصی که به علت تنهایی با دیگری نامزد می‌شود، سپس شریک بهتری پیدا می‌کند و با کتمان این حقیقت، با شخص سوم روابط خارج از پیمان اولیه برقرار می‌کند و فرضی که فردی با نیت سوءاستفاده جسمی و مالی با دیگری نامزد می‌کند، قائل به تفکیک شد و در فرض دوم، عامل زیان را مقصر دانست.

در خاتمه باید متذکر شد که وجود رابطه زوجیت بین طرفین نه از باب احراز رابطه قراردادی، بلکه به منظور احراز تقصیر (نقض تعهد وفاداری) و اثرگذاری بر زیان‌دیده (تحقق آسیب روانی) اهمیت دارد؛ زیرا مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی مسئولیتی قراردادی نیست که وجود قرارداد معتبر شرط تحقق آن باشد. به عبارت دیگر، اگر رابطه مشروعی بین طرفین وجود نداشته باشد، عرفاً «نقض تعهد وفاداری» محقق نشده و زیان وارده نیز بر فرض وجود، زیان مشروع و قابل جبران نیست. لذا مطالبه خسارت در جایی که رابطه زوجیت وجود ندارد، ولی «اعتماد معقول و مشروعی» (مثل نامزدی) بین طرفین تحقق یافته نیز قابل پذیرش است. با این تفاوت که وجود خسارت در فرض وجود رابطه زوجیت مسلم و در فرض عدم وجود آن باید اثبات شود.

۲.۲. تحقق رابطه نامشروع

برقراری رابطه نامشروع تقصیر تلقی می‌شود و شرط جبران خسارت است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا صرفاً رابطه نامشروع در معنی خاص (زنا) موجب ایجاد مسئولیت می‌شود؟ قانون‌گذار به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، زنا را دخول مرد در قُبُل یا فَرْج زنی تعریف می‌کند که رابطه زوجیت میان آن‌ها نباشد (محسنی دهکلائی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰). به لحاظ حقوق کیفری^۱، زنا از جمله حدود و حسب مورد دربردارنده مجازات اعدام، رجم، تبعید و شلاق است درحالی‌که مجازات سایر روابط منافی عفت فیزیکی، تعزیر تا ۹۹ ضربه شلاق است. قانون‌گذار مجازات شدیدتری برای زنا در نظر گرفته و ممکن است چنین استنباط شود که روابط منافی عفت

۱. مواد ۲۲۱ الی ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

مادون زنا منشأ بروز ضرر مدنی نمی‌شود. مضافاً اینکه، تعریف روابط منافی عفت مادون زنا نیز محل اختلاف است. برخی آن را هر نوع رابطه خارج از ضوابط شرعی بین زن و مرد نامحرم می‌دانند؛ خواه در قالب مکاتبات و گفتارهای عاطفی یا جنسی یا به شکل رابطه‌های جسمی و جنسی و برخی دیگر، آن را رابطه نامشروع جسمی و جنسی از قبیل تقبیل، مضاجعه، ملاعبه و غیره می‌دانند که منتهی به واقعه نشده است و در هر صورت، قصد التذاذ جنسی شرط تحقق آن است (صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۸، ص. ۶۰).

به اعتقاد حقوق‌دانان، از نظر حقوقی ضمانت اجرای روابط نامشروع حق درخواست طلاق است (خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، صص. ۳۹-۴۰) و همسری که از این باب متضرر می‌شود، می‌تواند جبران خسارات مادی و معنوی خود را از طرف خاطی مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۲۲۲). مضافاً اینکه، اگر این امر از سوی زوجه واقع شود، نشوز محسوب می‌شود و مسقط نفقه است (خامسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۷). محدود کردن صدور مجوز طلاق یا مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین به اثبات زنا، دیدگاه درستی نیست؛ زیرا صدق نقض تعهد وفاداری و ایراد صدمه روحی و روانی به زیان‌دیده منحصر در ارتکاب زنا نیست و در بسیاری موارد، روابط مادون زنا نیز می‌تواند صدمات روحی شدیدی به همسر شخص وارد و آبروی او را خدشه‌دار کند. به اعتقاد برخی، عدم رعایت حریم‌ها و دستورهای شرعی در سخن گفتن با نامحرم، پوشش نامناسب در مقابل دیگران، نگاه‌های هوس‌آلود به زنان یا مردان نامحرم یا محبت بیگانه‌ای را در دل خود جای دادن می‌تواند سبب آسیب‌های روحی و روانی شود (جوکار، ۱۳۹۰، ص. ۹۵؛ محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۴۲).

افزون‌براین، در نظام حقوقی ایران، طرق اثبات زنا محدود به چهار مرتبه اقرار مرتکب یا رؤیت دخول توسط چهار شاهد مرد عادل یا علم بین قاضی است. حتی گفته شده است که علم قاضی جزو ادله اثبات زنا نیست. وانگهی برخی محاکم، به‌رغم تولد فرزند خارج از رابطه نکاح، به دلیل عدم وجود دلیل شرعی و منع تفحص در جرائم منافی عفت، حکم بر براءت متهم را صادر کرده‌اند. (کلانتری، ۱۳۸۷، صص. ۲۹۶-۲۹۹). به نظر می‌رسد نگاه قانون‌گذار کیفری به روابط منافی عفت، متأثر از احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مبتنی بر دید بزه‌پوشی و منع تحقیق

موسع در خصوص این دسته از جرائم است. به همین جهت، اثبات زنا برای شاکی بسیار سخت و تعمیم نوع محکومیت کیفری دایر بر اقل و اکثر مجازات به علت ماهیت خصوصی آن عمل، چالش برانگیز است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۲).

علاوه بر این، مسئولیت کیفری بر مبنای منافع و نظم عمومی و با هدف جلوگیری از وقوع جرم و تنبیه مجرم وضع شده در حالی که مسئولیت مدنی به دنبال جبران خسارت و دارای جنبه خصوصی است (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۶۶). بنابراین، دادرس حقوقی لزوماً مکلف به تبعیت از آثار رأی کیفری و تفکیک روابط منافی عفت از زنا برای تخصیص خسارت به زیان دیده نیست و باید به عموماًت مسئولیت مدنی استناد کند. برای مثال، اگر عکس شوهر و زن نامحرمی در سونای خصوصی توسط همسر کشف شود، زیان دیده یا حتی دادرس مدنی، منطقاً علم به وقوع رابطه نامشروع حتی در حد زنا قبل یا بعد از عکس خصوصی در خلوت دارند، اما دادرس کیفری تنها به استناد شواهد می تواند حکم به محکومیت متهمین نسبت به ارتکاب روابط منافی عفت مادون زنا صادر کند. بنابراین، برخی با ادعای دشوار بودن اثبات تقصیر، پیشنهاد مسئولیت محض یا فرض تقصیر و معاف کردن زیان دیده از اثبات تقصیر را مطرح کرده اند (خامسی پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۸)، لیکن به نظر می رسد در مسئولیت مدنی ناشی از رابطه نامشروع، ضرورت اثبات تقصیر (تحقق رابطه نامشروع) انکارناپذیر است و با توجه به موازین اخلاقی و شرعی که هر نوع رابطه نامشروع و نامتعارف را غیرمجاز (تقصیر) تلقی می کند، اثبات تقصیر برای زیان دیده چندان دشوار نخواهد بود.

سایر روابط نامشروع مانند مساحقه، لواط یا تفخیز نیز می تواند مستند دعوی خسارت قرار گیرد. برای مثال، در صورتی که زوج مرتکب عمل شنیع لواط شود، ممکن است لطمه بیشتری به تمامیت معنوی زن وارد و وی را دچار سرشکستگی بیشتری در دید مطلعین کند. لذا صدق عرفی همخوابگی و رابطه نامشروع (اعم از جنسی، فیزیکی و غیر آن) برای احراز این شرط به نظر کافی می رسد و نوع عمل انجام شده و شدت و ضعف تقصیر، صرفاً می تواند تأثیر متفاوتی در میزان ضرر وارده داشته باشد.

۳.۲. تأثیر محکومیت کیفری

در این خصوص چند فرض قابل تصور است. یکی اینکه، اگر حکم محکومیت کیفری در خصوص

ارتکاب رابطه نامشروع در هر اندازه وجود داشته باشد، عنصر تقصیر مدنی محقق است و با وجود سایر شرایط، حکم به مسئولیت مدنی صادر خواهد شد؛ زیرا جرائم کیفری از بعد اخلال در نظم عمومی جامعه، متهم را مستحق کیفر می‌سازد و دعوی مدنی طبق تجویز قانون‌گذار^۱ به تبع مسئولیت کیفری، مدعی خصوصی را قادر می‌سازد تا جبران زیان‌های مادی و معنوی خود را مطالبه کند. به علاوه، دعوی کیفری در صدد حراست از منفعت عمومی است و بر دعوی مدنی که هدفش حفظ منفعت شخصی است، حاکمیت دارد. از این رو مفاد آمره ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری، رأی قطعی کیفری را که قاطع در ماهیت حقوقی قضیه باشد، برای دادگاه حقوقی لازم‌الاتباع می‌داند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۲۵-۲۶).

فرض دوم مربوط به مواردی است که دادگاه کیفری، زنا یا روابط منافی عفت مآدون آن را احراز نکرده و حکم بر برائت صادر کرده باشد. در اینجا باید بین دو حالت تمایز قائل شد؛ اگر دادگاه به دلیل فقدان ادله کافی مبنی بر وجود هرگونه رابطه، رأی به بی‌گناهی متهم صادر کرده و معتقد باشد اساساً متهم مرتکب رابطه‌ای نشده است یا دلیل کافی در این خصوص وجود ندارد، طرح دعوی خسارت در دادگاه حقوقی نیز ممکن نیست، لیکن اگر حکم برائت به دلیل جرم نبودن عمل ارتكابی باشد؛ یعنی دادگاه اصل ارتکاب عمل را احراز کرده، لیکن آن را جرم ندانسته باشد، دادگاه حقوقی می‌تواند این عمل را به عنوان تقصیر عرفی، موجد مسئولیت تشخیص دهد.

فرض سوم حالتی است که به هر دلیلی پرونده کیفری مطرح نشده و حکم کیفری دال بر محکومیت یا برائت خوانده وجود نداشته باشد. اگر در چنین مواردی، زیان‌دیده را برای مطالبه خسارت، ملزم به طرح شکایت کیفری و اخذ حکم محکومیت کنیم، غیرمنطقی و بعضاً خود مستلزم تحمیل زیان معنوی مضاعفی بر زیان‌دیده است که ممکن است وی را حتی از مطالبه حقوق خود نیز منصرف کند. به نظر می‌رسد دادگاه حقوقی حق احراز وقوع جرم و امر کیفری را ندارد، لیکن صلاحیت رسیدگی به تخطی از نقض تعهد وفاداری در مفهوم عام خود یا ارتکاب تقصیر در رابطه زناشویی را دارد. زمانی که ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین آشکار شود ولو اینکه حکم کیفری در این خصوص صادر نشده باشد، اعتماد، اطمینان و آرامش

۱. ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴.

زندگی و سلامت عاطفی، رفتاری و ارتباطی داخل خانواده از بین می‌رود. همسر وی نیز احساس ناخوشایند فریب خوردن را دارد و احساس می‌کند تلاش‌ها، زحمات و فداکاری‌های او از دست رفته است (محمدی سرپیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۴۰). از این رو عدم پذیرش جبران خسارات معنوی به صرف عدم صدور حکم کیفری، خلاف اصول حقوقی است.

۳. نحوه جبران و معیارهای ارزیابی خسارات ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

مهم‌ترین دشواری در جبران خسارت معنوی، ارزیابی این خسارات و معیارهایی است که در این خصوص استفاده می‌شود.

۱.۳. نحوه جبران ضرر ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

اولین هدف مسئولیت مدنی، بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی است که قبل از ورود ضرر داشت. اعاده زیان‌دیده به وضعیت سابق^۱ در مورد زیان‌های مادی و معنوی تفاوت دارد. در حقوق کامن‌لا، نحوه ارزیابی خسارت معنوی با تحولاتی همراه بوده است. از سال ۱۷۵۰ به بعد، نگرانی اصلی، «از دست رفتن آسایش روحی زیان‌دیده» بود و ارزیابی خسارت به «میزان خوشبختی زوج قبل از رابطه نامشروع» بستگی داشت. در اواخر قرن ۱۸، جبران خسارت معنوی با تأکید بر «آبروی ازدست‌رفته» زیان‌دیده صورت می‌پذیرفت. در قرن ۲۰، در آرای متعددی، دو عامل «ارزش واقعی زن خطاکار برای شوهر» و «غرامت مناسب به زیان‌دیده به‌خاطر آسیب به احساسات و شرافت او» مدنظر قرار گرفت (Howlin, 2016, pp. 14-15). به‌طور کلی، این‌گونه خسارات در کامن‌لا به‌عنوان از دست رفتن آرامش^۲ به معنی از دست دادن لذت زندگی در مقایسه با وضعیت زیان‌دیده قبل از وقوع فعل زیان‌بار شناسایی شده است. برخی نیز آن را ذیل عنوان لطمه به حیثیت شخصی، خانوادگی یا تجاری بررسی کرده‌اند (Elliott & Quinn, 2009, p. 392). برخی معتقدند خیانت زناشویی سخت‌ترین شکاف را در روابط زناشویی ایجاد می‌کند (شیورانی و همکاران، ۱۳۹۵، صص. ۸۷-۸۹). در پرونده‌های روابط نامشروع، زوجین به دنبال مرهم قلب شکسته^۳ هستند و جبران مالی ضرر معنوی نیز می‌تواند سبب التیام خواهان شود.

1. Restitutio In Integrum
2. Loss of Amenity
3. Hearth Balm

اصل جبران ضرر معنوی از طریق مالی در حقوق ایران مورد تردید نیست، لیکن تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مطالبه ضرر معنوی در موارد دیه و تعزیرات منصوص شرعی را ممنوع دانسته است. این حکم مبتنی بر این دیدگاه است که کل خسارات از طریق دیه یا تعزیر جبران می‌شود و امکان مطالبه خسارت دیگری وجود ندارد. زنا از جمله حدود است و بنا به نظری، روابط منافی عفت مادون زنا از تعزیرات منصوص شرعی است (صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۸، صص. ۵۹-۶۸) که اگر این دیدگاه پذیرفته شود، مطالبه خسارت معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع مادون زنا در زندگی زناشویی غیرممکن خواهد بود. به نظر می‌رسد که تعزیرات منصوص شرعی صرفاً محدود به مواردی است که میزان و نوع تعزیر در شرع تصریح شده^۱ است که با این تعریف، موارد تعزیر منصوص شرعی بسیار محدود است و عمده اعمال منافی عفت مادون زنا در زمره تعزیرات منصوص شرعی قرار نمی‌گیرد و مطالبه خسارت معنوی در خصوص آن‌ها با منع قانونی مواجه نیست (محمدی و مرادپور شاد، ۱۳۹۷، ص. ۸۶). در مقابل، برخی دیگر تعزیر منصوص شرعی را شامل مواردی می‌دانند که صرفاً موجب و نوع آن توسط شرع تعیین شده است (زجاجی و المیر، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۹) که با این فرض، موارد متعددی از روابط نامشروع از جمله قرار گرفتن دو زن، دو مرد یا یک زن و مرد نامحرم بدون ضرورت در زیر یک پوشش از مصادیق تعزیرات منصوص شرعی محسوب می‌شود (زجاجی و المیر، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۲). به نظر می‌رسد دیدگاه نخست که دامنه تعزیرات منصوص شرعی را مضیق‌تر تعریف کرده است و امکان جبران خسارت معنوی را بیشتر فراهم می‌کند، با اصل جبران کامل خسارت و قاعده لاضرر سازگارتر است.

اصولاً جبران ضرر معنوی به سه شیوه صورت می‌گیرد. ۱. جبران به عین: یعنی ضرر وارده به مثلش جبران شود مانند وقتی که شخصی به همسر خود افترا می‌زند و مفتی محکوم به عذرخواهی در جراید شود. ۲. جبران به معادل: زمانی که جبران با پرداخت پول صورت می‌پذیرد. ۳. جبران نمادین: در مواردی که ضرر معنوی وارده، قابلیت تقویم به پول را ندارد یا زیان‌دیده مایل به آن نیست (مرادزاده و رضوی، ۱۳۹۵، صص. ۸-۱۰). دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۱/۲۲ صادره

۱. نظریات مشورتی شماره ۷/۹۲/۹۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۸ و ۷/۰۲/۱۴۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

از شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان فارس در پرونده کلاسه ۰۱۰۰۰۶۶، مؤید شیوه دوم یعنی جبران ضرر معنوی به معادل مالی است. دادگاه روابط منافی عفت همسر خواهان با شخص ثالث را سبب ایراد ضرر به تمامیت معنوی زوج دانسته است. چون این خسارت دیه مقدر ندارد، به استناد نظریه پزشکی قانونی، خواندگان را محکوم به پرداخت ۳ درصد دیه کامل به عنوان ارش می‌کند. جبران ضرر معنوی به معادل مالی، ضمانت اجرای مناسبی است؛ زیرا خوف محکومیت مالی ابزاری قوی برای بازدارندگی است. از سوی دیگر، تقویم ضرر معنوی و پرداخت آن به زیان‌دیده، قلب وی را التیام می‌بخشد. مضافاً اینکه، جبران عینی ضرر معنوی مانند الزام به عذرخواهی همسر خطاکار، درج حکم در جراید و...، با فلسفه بزه‌پوشی و کتمان امور غیراخلاقی مغایرت دارد و سبب تشدید ضرر معنوی و سرافکندگی بیشتر زیان‌دیده در اجتماع می‌شود. شعبه ۵ دادگاه عمومی-حقوقی داراب نیز در دادنامه پیش‌گفته^۱ در خصوص محاسبه خسارت معنوی وارد به زوج در نتیجه رابطه نامشروع همسرش که در دادگاه کیفری یک به اثبات رسیده است، با استناد به قانون مسئولیت مدنی که تشخیص و تعیین نحوه جبران خسارت را در اختیار دادگاه قرار داده و با توجه به محکومیت خواهان (زوج) به پرداخت مهریه در حق خوانده (زوجه) به استناد مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن وارد دانستن دعوی مطروحه، حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت تعداد ۲۰ عدد سکه بهار آزادی طرح جدید بابت خسارت ناشی از رابطه نامشروع غیر از زنا در حق خواهان صادر کرده است؛ البته شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان فارس به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۲۱۲۳۹۰۰۸۷۰۶۲۸۳، ضمن تأیید اصل رأی و با ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری، مبلغ خسارت وارده را به قیمت ۲۰ سکه بهار آزادی در زمان صدور رأی یعنی ۹۰۰ میلیون تومان اصلاح و دادنامه بدوی را تأیید کرده است.

دومین هدف مسئولیت مدنی از بین بردن منبع ضرر است؛ یعنی هرگاه فعل زیان‌بار به طور مستمر سبب ورود ضرر می‌شود، از بین بردن ضرر یکی از راه‌های اعاده وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود است. از بین بردن ضرر از دید عرف یکی از طرق جبران خسارت است. برای مثال،

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۳۹۰۰۶۳۵۷۱۳۶ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲۸ شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی داراب.

قاضی می‌تواند علاوه بر حکم به پرداخت خسارت، برای رفع موقعیت زیان‌بار، نشردهنده را محکوم به عذرخواهی و تکذیب نوشته کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۶۸۰). زیان‌دیده ممکن است در نتیجه رابطه نامشروع همسر، مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه^۱ شود که مشتمل بر درد و رنج روحی مانند کابوس‌های شبانه، استرس تکرار آن، افسردگی، اختلال در حافظه و... است (ساروخانی و مرادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲). در علم روان‌شناسی یکی از درمان‌های اختلال فشارهای روانی بعد از ضربه روحی، دور کردن فرد از موقعیت بحران است و گرنه تجدید خاطرات باعث وخامت بیماری می‌شود (بئر، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۱-۱۰۷). ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین به معنی شکستن پیمان وفاداری و تجاوز از روابط انحصاری جنسی همسران است که می‌تواند تا مدت‌ها قربانی را درگیر بدبینی، افسردگی، خودانزجاری، احساس گناه، افکار خودکشی، زودرنجی، بی‌خوابی، خستگی، لاغری و... کند، اما اشخاص به دلیل تفاوت شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و... واکنش‌های متفاوتی نسبت به این اختلال روانی انجام می‌دهند. از آنجاکه یکی از اهداف مسئولیت مدنی قطع منشأ ضرر است، مواردی که زیان‌دیده به تشخیص پزشکی قانونی دچار اختلال پس از ضربه شده است و حضور همسرش سبب تشدید بیماری روحی می‌شود، برای حفظ حقوق فردی قربانی و تضمین سلامت وی، جدایی زوجین (طلاق) را تجویز می‌کند که می‌تواند به‌عنوان مصداقی از عسر و حرج شناسایی شود.

۲.۳. معیارهای ارزیابی ضرر معنوی ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع در زندگی زناشویی

چنان‌که بیان شد، مهم‌ترین جنبه زیان ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، زیان‌های معنوی مشتمل بر صدمات روحی (افسردگی، هتک عزت نفس، نقض حق انحصاری رابطه جنسی، سوءظن، اضطراب و مرگ عاطفی) و از بین رفتن آبرو و اعتبار خانوادگی است که ارائه معیارهای انحصاری جهت ارزیابی ضررهای معنوی دشوار است، لیکن می‌توان از معیارهایی ازجمله موارد زیر برای این امر بهره جست.

۱. معیارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل اقامت طرفین، ۲. درجه تأثیر آسیب وارده به عواطف خواهان، ۳. میزان توجه و اعتنای زیان‌دیده به همسر خود، ۴. دفعات و نحوه انجام رابطه

1. Post Traumatic Stress Disorder (PTSD)

نامشروع، ۵. موقعیت اجتماعی و شغلی زیان‌دیده (Weifei, 2016, pp. 33-40) و علاوه بر این‌ها، ۶. تأثیر تقصیر زیان‌دیده در ارزیابی خسارت نیز قابل بررسی است.

۱.۲.۳. معیارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل اقامت طرفین

یکی از معیارهای مهم در ارزیابی خسارت معنوی، عرف‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محل است. میزان تأثیرگذاری رابطه نامشروع بر همسر شخص خطاکار با توجه به شرایط عرفی محل بسیار متفاوت است. برای مثال، در پرونده سیبونا علیه چاکا^۱ یکی از قضات دیوان عالی نامیبیا، قاضی کامن‌لا را توسعه‌دهنده و مفسر حقوق عرفی می‌داند و استدلال خود را بر انطباق‌پذیری احکام دادگاه‌ها با تغییر معیارهای اجتماعی قرار می‌دهد و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا زنان محصنه مورد حساسیت حقوق کیفری است یا خیر و به تبع آن، مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند؟ در این رأی تصریح شده است که مفهوم تقصیر که سبب ایجاد مسئولیت مدنی می‌شود، مفهومی نسبی است که با توجه به شرایط فرهنگی معین می‌شود.

ممکن است گفته شود که تفسیر عرفی از تعهدات عقد نکاح، خلاف فلسفه این عقد است. برای مثال، در مقدمه قانون ازدواج کانادا ذکر شده که ازدواج، تأسیسی بنیادین در جامعه است و پارلمان مکلف به حمایت از آن است؛ زیرا باعث تقویت تعهد در روابط می‌شود و نشان‌دهنده اهمیت زندگی خانوادگی برای شهروندان است (Canadian Civil Marriage Act, 2023, p. 2). بنابراین، همخوابگی نامشروع، تقصیر قانونی به معنی تجاوز از حکم قانون‌گذار است و نمی‌توان رکن تقصیر را با توجه به موقعیت زمانی یا مکانی زایل کرد، اما ممکن است تقصیر قانونی حسب عوامل مختلف، تشدید یا تضعیف و در میزان مسئولیت مؤثر واقع شود.

۲.۲.۳. درجه تأثیر آسیب وارده به عواطف خواهان

از آنجاکه شخصی بودن ضرر معیاری قابل قبول در تعیین میزان مسئولیت است، شناسایی معیارهایی که میزان ضرر معنوی وارده بر شخص زیان‌دیده را مشخص کند، می‌تواند ملاک مناسبی برای صدور حکم باشد. اصولاً در حقوق کامن‌لا تعیین نوع و میزان خسارت قابل پرداخت، بر

1. Sibonga v Chaka and Another (77 of 2014) [2016] NASC 16 (19 August 2016).

عهده قاضی است. یکی از قضاات کامن‌لا^۱ در قضیه باترورد^۲، از معیار میزان علاقه مرد به همسر خود استفاده می‌کند تا بتواند میزان ضرر معنوی وارده در نتیجه هم‌خوابگی نامشروع را ارزیابی کند (Howlin, 2016, p. 18). احراز این معیار به کمک قرائنی مانند پاک‌دامنی، زیبایی، محبت و... که به‌طور کلی مشخص‌کننده شخصیت معنوی و اجتماعی همسر خاطی است، صورت می‌پذیرد. همچنین، در پرونده کلونکوری^۳ با توجه به اینکه خوانده خانمی بود که در اولین باری که با متهم تنها بود، مرتکب رابطه نامشروع (زنا) شده بود، دادگاه با این استدلال که خوانده، زنی متواضع و تربیت‌شده با عادات مذهبی نبوده است، خسارت پرداختی به خواهان را کاهش داد (Howlin, 2016, p. 19).

یکی از اقسام ضرر معنوی، ضربه روحی است. انتخاب این معیار به‌سادگی بیان می‌کند که زیان‌دیده به تبع عشق بیشتر، ضربه بیشتری را تحمل می‌کند. افزون‌براین، ویژگی‌های روحی زیان‌دیده نیز در ارزیابی میزان تأثیری که صدمه عاطفی به وی وارد می‌کند، مؤثر است که در ادامه به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۲.۳. میزان توجه و اعتنای زیان‌دیده به همسر خود

تکلیف وفاداری در حقوق خانواده وظیفه متقابل زوجین است. پس در موقع ارزیابی خسارت باید بین فرضی که شخصی به‌رغم توجه همسر خود، اقدام به رابطه نامشروع می‌کند و فرضی که عامل زیان در اثر بی‌توجهی همسر خود آن را انجام می‌دهد، تفکیک قائل شد. در حقوق کامن‌لا، در مواردی که رابطه صمیمانه زناشویی بین زوجین از بین رفته است و عملاً زوجین تعلق خاطری نسبت به یکدیگر ندارند یا در مواردی که زیان‌دیده به رابطه نامشروع همسرش با ثالث رضایت صریح یا ضمنی داده است، مسئولیتی برای متخلف به وجود نمی‌آید (Thompson, 1979, p. 244)، لیکن اصل بر این است که تا زمان بقای رابطه زوجیت، این مسئولیت برای متخلف ایجاد می‌شود ولو اینکه طرفین در شرف طلاق و جدایی باشند. برای مثال، دیوان عالی در پرونده گیسون^۴، هم‌خوابگی نامشروع یکی از زوجین در زمان مفارقت جسمانی منتهی به طلاق را سبب زوال

1. Justice McCardie

2. Butterworth v. Butterworth and Englefield (1920).

3. Cloncurry v. Piers (1807).

4. Gibson v. Gibson, 244 Ark. 327. 424 S.W.2d 871. 874 (1968).

مسئولیت مدنی متخلف ندانسته است؛ زیرا تنها انحلال نکاح باعث سقوط تعهدات قانونی همسران می‌شود. دادگاه استدلال خود را متکی بر این نکته کرد که هرچند زوجین مایل به زندگی مشترک نیستند، تا طلاق انجام نشده است، امید به اصلاح طرفین وجود دارد. در قضیه گاردنر^۱ نیز هیئت منصفه خواهان را مستحق هیچ‌گونه خسارتی ندانست. بی‌حقی خواهان به علت ارتکاب زنا در زمان مفارقت جسمانی زوجین نبود، بلکه استدلال هیئت منصفه این بود که زن به دلیل رفتارهای غیرمتعارف، از ابتدای ازدواج هیچ محبوبیتی نزد شوهر خود نداشته است. پس تحقق رابطه نامشروع در دوره مفارقت جسمانی، لزوماً سبب عدم مسئولیت عامل زیان نیست. برای مثال، در قضیه ویلسون^۲، دادگاه زنی را که سبب مفارقت جسمانی زوجین بوده و پس از جدایی اقدام به برقراری رابطه نامشروع با زوج کرده بود، مسئول شناخت (Smart, 2018, pp. 239-240).

۴.۲.۳. دفعات و نحوه انجام رابطه نامشروع

یکی دیگر از عواملی که در تعیین میزان خسارت معنوی مؤثر است، نحوه انجام رابطه نامشروع و تعداد دفعات آن است. پیش‌تر بیان شد که هر نوع رابطه نامشروع می‌تواند زیان‌دیده را مستحق دریافت خسارت معنوی قرار دهد و از جهت اصل مطالبه خسارت تفاوتی بین زنا و اعمال نامشروع مادون زنا و حتی رفتار نامشروع بدون تماس فیزیکی نیست، لیکن بدیهی است که خسارت قابل جبران در هریک از موارد یادشده متفاوت است. در فرضی که زوج یا زوجه اقدام به زنا کند، آسیب روحی و روانی وارده و حتی صدمه به شهرت و آبروی طرف مقابل بسیار بیشتر از زمانی است که رابطه نامشروع صورت گرفته مادون زنا باشد. در خصوص تماس‌های غیرفیزیکی (مثل پیام‌ها و ارتباط‌های عاشقانه و نامتعارف) ممکن است میزان خسارت باز هم کاهش یابد. اینکه رابطه نامشروع یک بار اتفاق افتاده است یا طرفین مدت زیادی با هم در رابطه بوده‌اند نیز در ارزیابی خسارت مؤثر است؛ البته بدیهی است که در هر مورد باید به مجموع عوامل و معیارها توجه کرد. لذا ممکن است در خصوص یک زن، میزان خسارت و صدمه معنوی وارده ناشی از ردوبدل شدن پیام‌های عاشقانه توسط همسرش، بسیار زیاد باشد و در خصوص زن دیگر،

1. Gardner v. Gardner (1901) 17 T.L.R. 331.

2. Wilson v. Genet and Wilson (1970).

حتی اعمال نامشروع مادون زنا نیز به این اندازه خسارت معنوی به وی وارد نیاورد.

۵.۲.۳. موقعیت اجتماعی و شغلی زیان‌دیده

خواهان می‌تواند ضرر معنوی خود را در قالب ۱. صدمات روحی که شامل درد و رنج روحی مانند قلب شکسته، افسردگی، خشم، نفرت و به‌طور کلی، جریحه‌دار شدن احساسات است و ۲. ایراد آسیب به تمامیت معنوی که شامل تحقیر و تخفیف موقعیت فرهنگی، اجتماعی و مذهبی می‌شود، مطرح کند. بنابراین، در نظر گرفتن اوصاف زیان‌دیده در اجتماع، معیار مناسبی برای تقویم زیان معنوی است. برای مثال، آیا برقراری رابطه نامشروع در فردی متعارف که دارای جایگاه شغلی و مقبولیت عمومی است با فرد متجاهر به اخلاق قبیح که خودش نیز مقید به اخلاقیات نیست، به یک میزان تمامیت معنوی زیان‌دیده یا آبروی او را مورد آسیب قرار می‌دهد؟

رویه قضایی کاملاً، امور موضوعی مختلفی مانند موقعیت اجتماعی خواهان و خواننده، نوع رابطه و نسبت فامیلی آن‌ها، میزان تغییر شخصیت همسر خطاکار بعد از رابطه نامشروع و تغییر مسئولیت زیان‌دیده در مورد نگهداری مادی و معنوی فرزندان را مورد سنجش قرار می‌دهد. برای مثال، در قضیه مَسی علیه هدفورد^۱، موقعیت اجتماعی زیان‌دیده موجب تشدید خسارت معنوی شد؛ زیرا زیان‌دیده کشیش بود و رابطه نامشروع همسر وی در زمانی رخ داد که او در کلیسا مشغول اعمال مذهبی بود. همچنین، در قضیه مک‌کرایث^۲، دادگاه خواننده را که با همسر خواهان مرتکب رابطه نامشروع شده بود، به دلیل دوستی و رابطه فامیلی نزدیک با خواهان، به پرداخت خسارت بیشتری محکوم کرد (Howlin, 2016, p. 18). درحقیقت، دادگاه معتقد بود که این امر سبب تأثیرگذاری بیشتری بر عواطف خواهان شده است.

۶.۲.۳. تأثیر تقصیر زیان‌دیده در ارزیابی خسارت

سؤال این است که تقصیر زیان‌دیده در ایفای تکالیف خانوادگی چه تأثیری در میزان خسارات وارده دارد؟ برای مثال، همسری که پیش‌تر با ثالثی روابط منافی عفت برقرار کرده است، در قبال ارتکاب رابطه نامشروع از سوی همسرش، حق مطالبه خسارت دارد؟ در کامن‌لا، در آرای متعددی

1. Massy v Headford (1804).

2. McCraith v Quinn (1872).

تأکید شده است که اگر خواهان بدرفتار یا خیانت‌کار باشد، خسارت او کاهش می‌یابد. در پرونده پترسون^۱، دادگاه تأکید کرد که بدرفتاری خواهان با همسرش، او را از دریافت خسارت محروم نمی‌کند، اما او را از دریافت خسارت سنگین محروم می‌کند یا در پرونده گلاولی^۲، دادگاه به دلیل غیبت‌های طولانی خواهان از منزل، خسارت را به شدت کاهش داد (Howlin, 2016, p. 20). علاوه بر این، بر اساس قاعده تقصیر مشترک یا تقصیر نسبی در کامن‌لا، زمانی که خواهان در انجام تکلیف مراقبت^۳ معقول مانند تعهد به وفاداری، کوتاهی کرده و عامل زیان را در خطر قرار داده است و عامل زیان نیز از انجام تعهد مراقبت معقول ناکام مانده است، خسارت وارده بین خواهان و خوانده تقسیم می‌شود (شهناز قهفرخی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۴).

به نظر می‌رسد در حقوق ایران عدم انجام تکالیف زناشویی را نتوان به عنوان عامل اصلی رابطه نامشروع تلقی و زیان‌دیده را از مطالبه خسارت به طور کلی محروم کرد. لذا باید موضوع را در قالب اجتماع فعل زیان‌بار و تقصیر زیان‌دیده تحلیل کرد. در فرضی که خود زیان‌دیده نیز در ورود ضرر مشارکت داشته باشد، مسئولیت بر اساس میزان تأثیر هریک از عوامل در ورود زیان توزیع می‌شود. در این گونه موارد، توزیع مسئولیت بین زیان‌دیده و شخص متخلف، به تساوی صورت می‌پذیرد مگر اینکه درجه تأثیر رفتار ایشان مساوی نباشد. بنابراین، تقصیر زیان‌دیده در ایفاء وظایف زناشویی می‌تواند باعث کاهش مسئولیت خوانده شود؛ زیرا رکن تقصیر در مسئولیت مدنی، اماره رابطه سببیت است و می‌تواند خسارت را جزئاً یا کلاً مستند به خود زیان‌دیده کند. لذا اگر ارتکاب رابطه نامشروع از سوی خوانده ناشی از هیجانات آنی و در نتیجه نقض تعهد وفاداری یا تقصیر خواهان در انجام وظایف زناشویی رخ داده باشد، خوانده دعوی می‌تواند با اثبات آن، دفاع مناسبی را در دعوی حقوقی اتخاذ کند و از پرداخت بخشی از خسارات معاف شود؛ البته اعمال انتقام‌جویانه از معاذیر قانونی تلقی نمی‌شود و تأثیری در کاهش مسئولیت عامل زیان ندارد.

نتیجه‌گیری

برقراری رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به احساسات

1. Patterson v. Pullen (1800).
2. Glerawley v. Burn (1820).
3. Duty Of Care

و عواطف و نیز حسن شهرت و اعتبار خانوادگی اشخاص وارد آورد. ارتکاب رابطه نامشروع از سوی یکی از زوجین، نقض تعهد وفاداری به عنوان یکی از تعهدات ضمنی عقد نکاح نیز محسوب می‌شود، لیکن مسئولیت ناشی از رابطه نامشروع در زندگی زناشویی، نقض تعهدات قانونی و عرفی و مسئولیت ناشی از آن، مسئولیت قهری و مرتبط با نظم عمومی است که هرگونه توافق برخلاف آن را غیرممکن می‌سازد.

هرگونه رابطه نامشروع بین یکی از زوجین با ثالث اعم از اینکه جنبه کیفری داشته یا نداشته و منتهی به حکم کیفری شده یا نشده باشد، می‌تواند موجب مسئولیت برای همسر خطاکار باشد. مهم آن است که عرفاً این رابطه خارج از موازین شرعی یا عرفی باشد. مبنای اساسی مطالبه خسارت، نقض تعهد وفاداری و صدمه به احساسات، عواطف و آبروی همسر است. لذا این مسئولیت اصولاً ناظر به مواردی است که رابطه زوجیت وجود داشته باشد، لیکن ارتکاب رابطه نامشروع در دوران نامزدی نیز می‌تواند همین اثر را به دنبال داشته باشد. ارزیابی آسیب روانی و حیثیتی وارده به زیان‌دیده اصولاً بر اساس ترکیبی از معیارهای شخصی و نوعی وابسته به زیان‌دیده صورت می‌پذیرد (میزان علاقه و توجه نسبت به همسر، تعهد در انجام وظایف زناشویی، میزان تأثیرپذیری از رابطه نامشروع و موقعیت شغلی و اجتماعی زیان‌دیده)، لیکن شدت و دفعات رابطه نامشروع و شرایط عرفی-فرهنگی و اجتماعی-مذهبی محل سکونت نیز در این ارزیابی مؤثر است. در برخی آرای قضایی در حقوق ایران، جبران خسارت معنوی ناشی از رابطه نامشروع یکی از زوجین، در قالب پرداخت ارش یا استرداد درصدی از مهریه زوجه خطاکار پذیرفته شده است. مضافاً اینکه، از جهت از بین بردن منشأ ضرر، امکان خاتمه زندگی مشترک (طلاق بر مبنای عسر و حرج) نیز وجود دارد. شیوه‌های جبرانی مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم محکومیت در جراید برخلاف فلسفه بزه‌پوشی و منع فحش در جرائم منافی عفت است و بعضاً خسارت وارده به آبروی زیان‌دیده را افزایش می‌دهد.

مطالعه تطبیقی صورت‌گرفته حکایت از این دارد که شرایط تحقق مسئولیت ناشی از ارتکاب رابطه نامشروع یکی از زوجین در حقوق ایران و کامن‌لا تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. تنها تفاوت موجود، تفاوت در تشخیص رابطه نامشروع بر اساس شرایط فرهنگی، شرعی و عرفی است. رویه قضایی کامن‌لا در پذیرش جبران خسارت معنوی و آسیب‌های روانی با پول، تردیدی

به خود را نمی‌دهد و اصولاً محاکم کامن‌لا مبالغ‌سنگینی را برای جبران این خسارات تعیین می‌کنند درحالی‌که دادگاه‌های ایران با وجود تصریح قانون‌گذار، به دلیل نبود معیارهای مشخص ارزیابی، همچنان با تردیدهایی روبه‌رو هستند. از آنجاکه عمده معیارهای ارائه‌شده برای ارزیابی خسارات معنوی در کامن‌لا، در حقوق ایران نیز قابل استفاده است، محاکم ایران نیز می‌توانند از این معیارها برای ارزیابی خسارت وارده استفاده کنند.



منابع

- ۱) امامی، سیدحسن (۱۳۸۵). حقوق مدنی (جلد ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲) امینی، منصور و ناطق نوری، سوده (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت؛ بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده آمریکا. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳، صص. ۲۱-۳۸.
- ۳) بئر، لی (۱۳۹۶). شیطان ذهن (مریم تقدیسی، مترجم). تهران: ققنوس.
- ۴) پژوهشگاه قوه قضائیه (۱۳۹۲). گزارش نشست نقد بررسی ادله اثبات جرم زنا. فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، ۱۵، صص. ۱۴۱-۱۶۰.
- ۵) جوکار، محبوبه (۱۳۹۰). حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر؛ اخلاقی، فقهی و حقوقی. پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۴ (۸)، صص. ۷۹-۱۱۶.
- ۶) حیدری، سیروس، فروغی، فضل‌الله و اعراب شیبانی، محمدرضا (۱۳۹۸). مبانی و شرایط حجیت آرای کیفری در دعاوی مدنی. نشریه علمی دانش حقوق مدنی، ۲ (۱۶)، صص. ۲۳-۴۲. doi: 10.30473/clk.2020.49529.2653
- ۷) خامسی‌پور، فرسیما، محمدی سرپیری، فریده، المیر، محمود و یوسف‌زاده، علی (۱۳۹۴). آثار نقض وفاداری زوجین در خانواده و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری آن. مطالعات پلیس زن، ۹ (۲۳)، صص. ۵۲-۳۰.
- ۸) دارابی، حسین (۱۳۹۹). مسئولیت ناشی از عدم وفاداری زوجین. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب‌های اجتماعی، صص. ۹۱۵-۹۳۰.
- ۹) زجاجی، حمیدرضا و المیر، محمود (۱۳۹۸). مطالعه تعزیرات منصوص شرعی در فقه و حقوق کیفری ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷ (۲۷)، صص. ۱۳۱-۱۶۳. doi: 10.22054/jclr.2018.27818.1552
- ۱۰) ساروخانی، سحر و مرادی، علی‌رضا (۱۳۹۵). عملکرد قربانیان تجاوز جنسی مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه در حافظه روزمره، حافظه کلامی و حافظه آینده‌نگر. مطالعات روان‌شناختی، ۱۲ (۲)، صص. ۱۲۹-۱۴۷. doi: 10.22051/psy.2016.2386
- ۱۱) سعادت، صالح و علیشاهی قلعه‌جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی بر هم زدن نامزدی بر مبنای قاعده غرور با رویکردی بر آرای امام خمینی. پژوهش‌نامه متین، ۲۱ (۷۲)، صص. ۶۳-۸۳.
- ۱۲) شهباز قهفرخی، سجاد (۱۳۹۹). تبیین و نقد نظریه تعامل متقارن در تعیین میزان تقصیر زیان‌دیده و خوانده دعوی در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر. مجله حقوقی دادگستری، ۸۴ (۱۱۱)، صص. ۱۳۱-

doi: 10.22106/zlj.2020.119696.3137. ۱۴۸

۱۳) شیورانی، مونا، آزاد فلاح، پرویز، مرادی، علی‌رضا و اسکندری، حسین (۱۳۹۵). درمان اختلال استرس پس از ضربه در زنان با تجربه خیانت همسر. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۷ (۲۵)، صص. ۸۵-۱۰۶. doi: 10.22054/jcps.2017.7133

۱۴) صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۸). بررسی ابهامات و چالش‌های ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات در پرتوی رویه عملی محاکم کیفری. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۲ (۲۰)، صص. ۸۴-۵۵. doi: 10.22124/jol.2019.11092.1564

۱۵) صادقی، سالار و اکبری، عباسعلی (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم جنسی از منظر فقهی و جرم‌شناسی. فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲، صص. ۵۹-۸۲

۱۶) صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.

۱۷) قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی. تهران: میزان.

۱۸) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق خانواده (جلد ۱). تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۹) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). الزام‌های خارج از قرارداد؛ ضمان قهری. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۲۰) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). قواعد عمومی قراردادها (جلد ۵). تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۱) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۲) کلانتری، کیومرث (۱۳۸۷). تحلیل علمی از یک پرونده کیفری؛ زنای محصنه و اثبات آن. پژوهش حقوق و سیاست، ۱۱ (۲۶)، صص. ۳۱۸-۲۶۹.

۲۳) کلهر، زینب (۱۳۸۸). احکام و آثار روابط جنسی نامشروع در حقوق مدنی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی). دانشگاه قم.

۲۴) محسنی دهکلانی، محمد (۱۳۸۷). تحلیلی فقهی بر ماهیت زنا. فصلنامه فقه و مبانی حقوق، ۴ (۱۲)، صص. ۱۹۷-۲۰۵.

۲۵) محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۶). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.

۲۶) محمدی سرپیری، فریده، رفیعی فروشانی، احمدرضا و خامسی‌پور، فرسیما (۱۳۹۳). ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روان‌شناسی و جایگاه آن در خانواده. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانوار، ۹ (۲۹)، صص. ۶۱-۲۹.

- ۲۷) محمدی، پژمان و مرادی‌پور شاد، مبین حجت (۱۳۹۷). تأثیر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر امکان مطالبه خسارات معنوی و عدم نفع در نظام حقوقی ایران. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۶ (۲۴)، صص. ۹۳-۶۵. doi: 10.22054/jplr.2018.13442.1342
- ۲۸) مرادزاده، حسن و رضوی، فهیمه‌سادات (۱۳۹۵). شیوه‌های جبران خسارت معنوی در زندگی زوجین. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۱ (۶۴)، صص. ۳۰-۷. doi: 10.30497/flj.2016.59332
- ۲۹) نصیری، غلامعلی، قدیری، رشید، نقدی دورباطی، مریم و قدوسی، کامران (۱۴۰۰). مهم‌ترین ضوابط و معیارها در شناسایی جرائم منافی عفت در حقوق کیفری ایران. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، صص. ۸۱۵-۸۳۱. doi: 10.30510/psi.2022.248351.1271

- 30) Baio, J.-A. M. (1982). Loss of consortium: A derivative injury giving rise to a separate cause of action. *Fordham Law Review*, 50(6), 1344-1370.
- 31) Canadian Civil Marriage Act, S.C. 2005, c. 33. (2023). <https://laws-lois.justice.gc.ca/PDF/C-31.5.pdf>
- 32) Carnelley, M. (2013). Laws on adultery: Comparing the historical developments of South African common-law principles with those in English law. *Fundamina*, 19(2), 155-211. <http://www.scielo.org.za/pdf/funda/v19n2/01.pdf>
- 33) Elliott, C., & Quinn, F. (2009). *Tort law* (7th ed.). England: Pearson Education Limited.
- 34) Henaghan, M. (2008). The normal order of family law. *Oxford Journal of Legal Studies*, 28(1), 165-182.
- 35) Howlin, N. (2016). Adultery in the courts: Criminal conversation in Ireland (UCD Working Papers in Law, Criminology & Socio-Legal Studies, Research Paper No. 07/2016). https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2787632
- 36) McMillian, L. (2012). Adultery as a tort. *North Carolina Law Review*, 90(6), 1989-2032.
- 37) Rasmusen, E. (2001). An economic approach to adultery law (Discussion Paper No. 322). Harvard Law School.
- 38) Scott, E. S. (2000). Social norms and the legal regulation of marriage. Columbia Law School. https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/323/
- 39) Smart, H. M. J. (2018). Sierra Leone family law [Doctoral thesis, University of London]. <https://eprints.soas.ac.uk/34033/1/11015834.pdf>
- 40) Thompson, G. L. (1979). The suit of alienation of affections: Can its existence be justified today? *North Dakota Law Review*, 56(2), 239-257.
- 41) Vandervelde, L. (1996). The legal ways of seduction. *Stanford Law Review*, 48(4), 817-901.
- 42) Weifei, S. (2016). Damages for adultery and interference with marriage relation—From the perspective of Anglo-American law. *PKU Transnational Law Review*, 4(1), 31-48.

- 43) Wright, H. F. (1924). The action for breach of the marriage promise. Virginia Law Review, 10(5), 361-383.



References

- 1) Amini, Mansour & Nategh Nouri, Soudeh (1390 SH/2011). Muṭāla‘ah-ye Taṭbīqī-ye Naẓariyah-ye Az Dast Dādan-e Furṣat; Barrasī-ye Ijmālī-ye Ḥuqūq-e Urūpā va Iyalāt-e Muttahidah-ye Āmrīkā [Comparative Study of the Loss of Chance Theory; An Overview of European and United States Law]. Pazhuhesh-haye Hoquq-e Tatbiqi [Comparative Law Research], 3, pp. 21-38 [in Persian].
- 2) Baer, Lee (1396 SH/2017). Shaytān-e Zihn [The Imp of the Mind] (M. Taghdisi, Trans.). Tehran: Qoqnoos [in Persian].
- 3) Baio, J.-A. M. (1982). Loss of consortium: A derivative injury giving rise to a separate cause of action. Fordham Law Review, 50(6), 1344-1370.
- 4) Canadian Civil Marriage Act, S.C. 2005, c. 33. (2023). <https://laws-lois.justice.gc.ca/PDF/C-31.5.pdf>
- 5) Carnelley, M. (2013). Laws on adultery: Comparing the historical developments of South African common-law principles with those in English law. Fundamina, 19(2), 155-211. <http://www.scielo.org.za/pdf/funda/v19n2/01.pdf>
- 6) Darabi, Hossein (1399 SH/2020). Mas’ūliyat-e Nāshī az ‘Adam-e Vafādārī-ye Zawjayn [Liability Arising from Spousal Disloyalty]. Majmū‘ah Maqālāt-e Nukhustīn Hamāyish-e Milli-ye Chālīshhā va Rāhkārḥā-ye Ta‘ālī-ye Nahād-e Khānavādah dar Mazāhib-e Islāmī bā Miḥvarīyat-e Āsībḥā-ye Ijtimā‘ī [Proceedings of the First National Conference on Challenges and Strategies for the Excellence of the Family Institution in Islamic Denominations Focused on Social Harms], pp. 915-930 [in Persian].
- 7) Elliott, C., & Quinn, F. (2009). Tort law (7th ed.). England: Pearson Education Limited.
- 8) Emami, Seyyed Hasan (1385 SH/2006). Ḥuqūq-e Madanī (Vol. 1) [Civil Law]. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyeh [in Persian].
- 9) Ghasemzadeh, Seyyed Morteza (1387 SH/2008). Mas’ūliyat-e Madanī [Civil Liability]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 10) Henaghan, M. (2008). The normal order of family law. Oxford Journal of Legal Studies, 28(1), 165-182.
- 11) Heydari, Sirous, Foroughi, Fazlollah & Aarab Sheybani, Mohammadreza (1398 SH/2019). Mabānī va Sharāyīf-e Ḥujjiyat-e Ārāy-e Kayfarī dar Da‘āvi-ye Madanī [Fundamentals and Conditions of the Validity of Criminal Judgments in Civil Lawsuits]. Nashriyeh Elmi Danesh-e Hoquq-e Madani [Scientific Journal of Civil Law Knowledge], 2(16), pp. 23-42. doi: 10.30473/clk.2020.49529.2653 [in Persian].
- 12) Howlin, N. (2016). Adultery in the courts: Criminal conversation in Ireland (UCD Working Papers in Law, Criminology & Socio-Legal Studies, Research Paper No. 07/2016). https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2787632
- 13) Jokar, Mahboubeh (1390 SH/2011). Ḥuqūq va Vazāyif-e Mutaqābil-e Zan va Shawhar; Akhlāqī, Fiqhī va Ḥuqūqī [Mutual Rights and Duties of Husband and Wife; Ethical, Jurisprudential and Legal]. Pazhuheshnameh Motaleat-e Eslami-ye Zanan va Khanevadeh [Research Journal of Islamic Studies on Women and

- Family], 4(8), pp. 79-116 [in Persian].
- 14) Judiciary Research Institute of Iran (1392 SH/2013). Guzārish-e Nishast-e Naqd-e Barrasī-ye Adillah-ye Isbāt-e Jurm-e Zinā [Report on the Critical Review Meeting of the Evidence Proving the Crime of Adultery]. Faslnameh Ray: Motaleat-e Aray-e Qazaei [Ray Quarterly: Judicial Precedents Studies], 15, pp. 141-160 [in Persian].
 - 15) Kalantari, Kioumars (1387 SH/2008). Taḥlīl-e ‘Ilmī az Yak Parvandah-ye Kayfarī; Zinā-ye Muḥsinah va Isbāt-e Ān [Scientific Analysis of a Criminal Case; Adultery and Its Proof]. Pazhuhesh-e Hoquq va Siasat [Law and Politics Research], 11(26), pp. 269-318 [in Persian].
 - 16) Kalhor, Zeynab (1388 SH/2009). Ahkām va Āsār-e Ravābiṭ-e Jinsī-ye Nāmashrū‘ dar Ḥuqūq-e Madanī [Rules and Effects of Illicit Sexual Relations in Civil Law] (Master's thesis in Private Law). Qom University [in Persian].
 - 17) Katouzian, Nasser (1385 SH/2006). Ḥuqūq-e Khānavādah (Vol. 1) [Family Law]. Tehran: Enteshar Co. [in Persian].
 - 18) Katouzian, Nasser (1386 SH/2007). Ilzāmhā-ye Khārij az Qarārdād; Żimān-e Qahrī [Non-Contractual Obligations; Civil Liability]. Tehran: Tehran University Press [in Persian].
 - 19) Katouzian, Nasser (1390 SH/2011). Qavā‘id-e ‘Umūmī-ye Qarārdādihā (Vol. 5) [General Rules of Contracts]. Tehran: Enteshar Co. [in Persian].
 - 20) Katouzian, Nasser (1392 SH/2013). Vaqāyi‘-e Ḥuqūqī - Mas‘ūliyat-e Madanī [Legal Events - Civil Liability]. Tehran: Enteshar Co. [in Persian].
 - 21) Khamesipour, Farsima, Mohammadi Sarpiri, Farideh, Malmir, Mahmoud & Yousefzadeh, Ali (1394 SH/2015). Āsār-e Naqṣ-e Vafādārī-ye Zawjayn dar Khānavādah va Żimānat-e Ijrā-ye Ḥuqūqī va Kayfarī-ye Ān [The Effects of Breach of Loyalty Between Spouses in the Family and Its Legal and Criminal Sanctions]. Motaleat-e Polis-e Zan [Women Police Studies], 9(23), pp. 30-52 [in Persian].
 - 22) McMillian, L. (2012). Adultery as a tort. North Carolina Law Review, 90(6), 1989-2032.
 - 23) Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa (1386 SH/2007). Barrasī-ye Fiqhī-ye Ḥuqūq-e Khānavādah [Jurisprudential Review of Family Law]. Tehran: Humanities Publishing Center [in Persian].
 - 24) Mohammadi Sarpiri, Farideh, Rafiei Foroushani, Ahmadreza & Khamesipour, Farsima (1393 SH/2014). Māhiyat-e Vafādārī-ye Zawjayn az Didgāh-e Ḥuqūqī, Fiqhī va Ravānshināsī va Jāygāh-e Ān dar Khānavādah [The Nature of Spousal Loyalty from Legal, Jurisprudential, and Psychological Perspectives and Its Position in the Family]. Faslnameh Farhangi-Tarbiyati Zanan va Khanevar [Women and Family Cultural-Educational Quarterly], 9(29), pp. 29-61 [in Persian].
 - 25) Mohammadi, Pejman & Moradpour Shad, Mobin Hojjat (1397 SH/2018). Ta’sir-e Qānūn-e Āyīn-e Dādrasī-ye Kayfarī Muṣavvab-e 1392 bar Imkān-e Muṭālahah-ye Khasārāt-e Ma’navī va ‘Adam-e Naf’ dar Nizām-e Ḥuqūqī-ye Irān [The Impact of the 2013 Criminal Procedure Code on the Possibility of

- Claiming Moral Damages and Loss of Profit in the Iranian Legal System]. *Faslnameh Pazhuhesh-e Hoquq-e Khosousi* [Private Law Research Quarterly], 6(24), pp. 65-93. doi: 10.22054/jplr.2018.13442.1342 [in Persian].
- 26) Mohseni Dehkalani, Mohammad (1387 SH/2008). *Tahlili-ye Fiqhī bar Māhiyat-e Zinā* [A Jurisprudential Analysis on the Nature of Adultery]. *Faslnameh Feqh va Mabani-ye Hoquq* [Jurisprudence and Fundamentals of Law Quarterly], 4(12), pp. 197-205 [in Persian].
- 27) Moradzadeh, Hasan & Razavi, Fahimeh Sadat (1395 SH/2016). *Shivahhā-ye Jubrān-e Khasārat-e Ma'navī dar Zindagī-ye Zawjayn* [Methods of Compensating Moral Damages in the Spouses' Lives]. *Feqh va Hoquq-e Khanevadeh (Neday-e Sadiq)* [Jurisprudence and Family Law (Nedaye Sadiq)], 21(64), pp. 7-30. doi: 10.30497/flj.2016.59332 [in Persian].
- 28) Nasiri, Gholamali, Ghadiri, Rashid, Naghdi Dourbati, Maryam & Ghoddousi, Kamran (1400 SH/2021). *Muhimtarīn Zavābiṭ va Mi'yārḥā dar Shināsāyī-ye Jarāyim-e Munāfi-ye 'Iffat dar Ḥuqūq-e Kayfari-ye Īrān* [The Most Important Rules and Criteria in Identifying Crimes Against Chastity in Iran's Criminal Law]. *Jameahshenasi-ye Siasi-ye Iran* [Political Sociology of Iran], 4(4), pp. 815-831. doi: 10.30510/psi.2022.248351.1271 [in Persian].
- 29) Rasmusen, E. (2001). An economic approach to adultery law (Discussion Paper No. 322). Harvard Law School.
- 30) Saadat, Saleh & Alishahi Ghaleh-Joughi, Abolfazl (1396 SH/2017). *Mas'ūliyat-e Madanī-ye Bar Ham Zadan-e Nāmzādī bar Mabnā-ye Qā'idah-ye Ghurūr bā Rūykardī bar Ārā-ye Imām Khumaynī* [Civil Liability for Breaking an Engagement Based on the Rule of Deception (Ghurur) with an Approach to Imam Khomeini's Views]. *Pazhuheshnameh Matin* [Matin Research Journal], 21(72), pp. 63-83 [in Persian].
- 31) Sadeghi, Salar & Akbari, Abbasali (1401 SH/2022). *Āsībshināsi-ye Siyāsāt-e Kayfari-ye Īrān dar Qibāl-e Jarāyim-e Jinsī az Manẓar-e Fiqhī va Jurmshināsi* [Pathology of Iran's Criminal Policy Regarding Sexual Crimes from a Jurisprudential and Criminological Perspective]. *Faslnameh Elmi-ye Feqh va Mabani-ye Hoquq-e Eslami* [Scientific Quarterly of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law], 15(2), pp. 59-82 [in Persian].
- 32) Sadeghnejad Naeini, Majid (1398 SH/2019). *Barrasi-ye Ibhāmāt va Chālīshhā-ye Mādah-ye 637-e Qānūn-e Ta'zīrāt 1375 dar Marḥalah-ye Šudūr-e Ḥukm va Ijrā-ye Mujāzāt dar Partaw-e Ravīyah-ye 'Amali-ye Maḥākīm-e Kayfari* [Review of the Ambiguities and Challenges of Article 637 of the Ta'zirat Law of 1996 in the Stage of Issuing Judgments and Executing Punishments in Light of the Practical Procedure of Criminal Courts]. *Pazhuheshnameh Hoquq-e Kayfari* [Criminal Law Research Journal], 2(20), pp. 55-84. doi: 10.22124/jol.2019.11092.1564 [in Persian].
- 33) Safaei, Seyyed Hossein & Rahimi, Habibollah (1399 SH/2020). *Mas'ūliyat-e Madanī-ye Taṭbīqī* [Comparative Civil Liability]. Tehran: The Institute for Research and Study of Shahr-e Danesh [in Persian].
- 34) Saroukhani, Sahar & Moradi, Alireza (1395 SH/2016). *'Amalkard-e*

- Qurbāniyān-e Tajāvuz-e Jinsī-ye Mubtalā bih Ikhtilāl-e Istiris-e Pas az Sāniḥah dar Ḥāfiẓah-ye Rūzmarrah, Ḥāfiẓah-ye Kalāmī va Ḥāfiẓah-ye Āyandahnigar [Performance of Sexual Assault Victims with Post-Traumatic Stress Disorder in Everyday Memory, Verbal Memory, and Prospective Memory]. *Motaleat-e Ravanshenakhti* [Psychological Studies], 12(2), pp. 129-147. doi: 10.22051/psy.2016.2386 [in Persian].
- 35) Scott, E. S. (2000). Social norms and the legal regulation of marriage. Columbia Law School. https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/323/
 - 36) Shahbaz Ghahfarokhi, Sajjad (1399 SH/2020). Tabyīn va Naqd-e Naẓariyah-ye Ta'āmul-e Mutaqārīn dar Ta'yīn-e Mizān-e Taqṣīr-e Ziyāndīdah va Khāndah-ye Da'vī dar Mas'ūliyat-e Madanī-ye Mubtanī bar Taqṣīr [Explanation and Critique of the Symmetrical Interaction Theory in Determining the Degree of Fault of the Injured Party and the Defendant in Fault-Based Civil Liability]. *Majalleh Hoquqi Dadgostari* [Justice Legal Journal], 84(111), pp. 131-148. doi: 10.22106/jlj.2020.119696.3137 [in Persian].
 - 37) Shivorani, Mona, Azad Fallah, Parviz, Moradi, Alireza & Eskandari, Hossein (1395 SH/2016). Darmān-e Ikhtilāl-e Istiris-e Pas az Ẓarbah dar Zanān bā Tajrubah-ye Khiyānat-e Hamsar [Treatment of Post-Traumatic Stress Disorder in Women with the Experience of Spousal Infidelity]. *Fasnameh Motaleat-e Ravanshenasi-ye Balini* [Clinical Psychology Studies Quarterly], 7(25), pp. 85-106. doi: 10.22054/jcps.2017.7133 [in Persian].
 - 38) Smart, H. M. J. (2018). Sierra Leone family law [Doctoral thesis, University of London]. <https://eprints.soas.ac.uk/34033/1/11015834.pdf>
 - 39) Thompson, G. L. (1979). The suit of alienation of affections: Can its existence be justified today? *North Dakota Law Review*, 56(2), 239-257.
 - 40) Vandervelde, L. (1996). The legal ways of seduction. *Stanford Law Review*, 48(4), 817-901.
 - 41) Weifei, S. (2016). Damages for adultery and interference with marriage relation—From the perspective of Anglo-American law. *PKU Transnational Law Review*, 4(1), 31-48.
 - 42) Wright, H. F. (1924). The action for breach of the marriage promise. *Virginia Law Review*, 10(5), 361-383.
 - 43) Zojaji, Hamidreza & Malmir, Mahmoud (1398 SH/2019). Muṭāla'ah-ye Ta'zīrāt-e Manṣūṣ-e Shar'ī dar Fiqh va Ḥuqūq-e Kayfarī-ye Īrān [Study of Specified Sharia Punishments (Ta'zirat) in Islamic Jurisprudence and the Criminal Law of Iran]. *Fasnameh Pazhuhesh-e Hoquq-e Kayfari* [Criminal Law Research Quarterly], 7(27), pp. 131-163. doi: 10.22054/jclr.2018.27818.1552 [in Persian].